

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرح زیارت آل یس

آیت الله سید محمد مهدی حسینی همدانی

نماینده ولی فقیه در استان البرز

و امام جمعه کرج

فهرست

— جلسه اول

- ۴ معنای زیارت
- ۵ عبادت کردن، زیارت خدا است
- ۵ اذان یک فرهنگ است
- ۶ هدف زیارت دیدار خداست
- ۸ متن زیارت‌نامه‌ها مدرسه امامت و ولایت است
- زیارت سه رکن دارد که اگر محقق شود بهترین جلوه
- ۸ زیارت محقق شده است
- ۹ ادب حضور
- یکی از بهترین زیارت‌ها حضرت ولی عصر ارواحنا فدا
- ۱۰ زیارت آل یس است
- ۱۰ سند زیارت آل یس
- ۱۲ ویژگی منحصر به فرد زیارت آل یس
- وقتی خواستید به وسیله ما به خدا توجه کنید بگویید
- ۱۳ «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یس»

— جلسه دوم

- زائر باید توجه داشته باشد که هیچ موجودی مستقل
- ۱۴ از خدا نیست
- ۱۶ اهل بیت عصمت و طهارت از خدا جدا نیستند
- ۱۷ کتاب «ادب فنای مقربان» مطالعه کنید
- ۱۷ یاسین اسمی از اسماء رسول خداست
- ۱۸ سلام به انبیاء در قرآن
- ۱۹ سلام از اسماء حسناى الهی است
- ۲۰ مؤمنین و محسنین از سلام خدا بهره‌مندند
- ۲۱ سلام به همه شئون حضرت ولی عصر ارواحنا فدا

- سلام به امام معصوم یعنی من تسلیم محض تو هستم ... ۲۲
- ۴۰ سلام ۲۳

— جلسه سوم

- ۲۴ ادب شروع زیارت آل یس
- ۲۴ اختلاف قرائت‌ها
- ۲۵ آغاز سلام‌های اختصاصی
- ۲۵ «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ»
- ۲۶ مقام بلند دعوت
- ۲۷ «دَاعِيَ آلِي اللَّهِ» هادی آلِی الله است
- ۲۸ جلوه‌های هدایت حسین علیه السلام را مطالعه کنید
- ۲۸ هادیان امت
- ۲۹ اولین دعوت کننده به سمت خدا خود خداست
- ۳۰ درخواست مهلت برای اجابت دعوت
- ۳۱ خطابات الهی را همه کس نمی‌شنوند
- ۳۲ دعوت به سمت خدا تکلیفی است که بر عهده همه است
- ۳۳ بهترین شغل
- ۳۳ از خدا بخواهید که جزو دعوت‌کننده‌ها باشید
- ۳۴ دعوت را بپذیرید
- ۳۵ زیارت‌نامه‌ها پر از معرفت است؛ با توجه بخوانید

— جلسه چهارم

- ۳۶ ما که معصوم نیستیم؛ چگونه به خدا دعوت کنیم؟! ...
- ۳۶ معنای آیه
- ۳۷ پاسخ‌های مختلف به آیات الهی
- ۳۸ نعمت‌ها آیه‌اند؛ خدا را نشان می‌دهند
- ۳۸ معنای ربانی
- ۳۹ تربیت‌کننده آیات خدا

- ۴۱ تو بیشتر از همه خدا را نشان می‌دهی
- ۴۱ بالاترین مرحله انس در اختیار ائمه است
- ۴۲ خدا خواسته همه ربانی شوند
- ۴۴ جزو دسته سوم نباشید
- ۴۶ دو بال عالم ربانی شدن
- ۴۷ عالم ربانی شوید؛ گم نمی‌شوید
- ۴۸ خودمان را در اختیار پرورش‌دهنده‌مان قرار بدهیم
- ۴۹ حضور در فضای مجازی باید هدفمند و با برنامه باشد
- ۵۰ امام، آبی گوارا برای تشنه است
- ۵۰ علم را باید از عالم ربانی گرفت

— جلسه پنجم

- ۵۲ امام واسطه فیض موجودات هستی است
- ۵۳ باب منحصر به فرد
- ۵۴ هر کس از غیر در وارد خانه شود، دزد است
- ۵۴ اوصیای الهی ابواب‌اند
- ۵۶ ویژگی‌های در
- ۵۷ غیر از او امروز هیچ بابی نیست
- ۵۸ هر رشدی می‌خواهی باید خودت را به دست او بسپاری
- ۵۹ نزد امام زمانت چه جایگاهی داری؟
- ۶۰ دل به دل راه دارد
- ۶۱ معنی دیان
- ۶۱ درباره کتاب‌های لغت
- ۶۳ دیان نام خداست
- ۶۳ دین حق، یکی است

معنای زیارت

به حول و قوه الهی از این نوبت به ترجمه زیارت آل یس می‌پردازیم. قبل از شروع زیارت مقدمتاً چند نکته راجع به اصل زیارت برایتان بگویم. زیارت ریشه‌اش از «زور» است. معنای لغوی آن یعنی مایل‌شدن و روبرو گردیدن و قصد چیزی کردن؛ چه دور باشد چه نزدیک باشد، در آن اکرامی لحاظ شده باشد یا لحاظ نشده باشد؛ همین‌که انسان مایل می‌شود به سمت چیزی می‌گویند زیارت. این معنای لغوی آن است. قصد چیزی را بکند می‌گویند زیارت. قاصد می‌شود زائر.

یک عده هم این‌طور معنا کردند که روی گرداندن از ظاهر است و توجه به باطن. شما به کتاب لغت که نگاه کنید معانی دیگری هم گفته شده؛ اما در اصطلاح، کار شناخته‌شده‌ای است با یک آیین خاص در یک مکان مقدس که گروهی یا افرادی انجام می‌دهند. زائر ممکن است اهداف مادی داشته باشد یا اهداف معنوی داشته باشد؛ مثلاً شفای بچه‌اش را می‌خواهد یا توبه است یا تشکر است. مادی و معنوی را می‌گیرد.

در اصطلاح دینی اگر بخواهیم زیارت را معنی کنیم یک تمایلی است که اضافه بر میل ظاهری، قلب هم تمایل جدی دارد به مزور (آن چیزی که می‌خواهد زیارت شود) گذشته

از اینکه توجه مادی دارد، توجه معنوی هم دارد؛ بنابراین هرچه که آن مزور برتر و کامل‌تر باشد قصد جدی و تعظیم بالاتر و برتری خواهد بود.

عبادت کردن، زیارت خدا است

کسی که سه روز از ماه شعبان را روزه بگیرد خدا را در عرش زیارت کرده است؛ پس ببینید اعمال عبادی زیارت است. یا مثلاً در تفسیر «قد قامت الصلاة» که در اقامه نماز داریم از امیرالمؤمنین سؤال کردند -حضرت تفسیر اذان را دارد- در آنجا فرمودند: یعنی بلند شوید وقت زیارت نزدیک است؛ یعنی نماز را زیارت می‌داند. خیلی قشنگ است.

«الإمامُ عليٌّ عليه السلام في معنى قد قامت الصلاة في الإقامة: أي حان وقت الزيارة و المناجاة و قضاء الحوائج و درك المنى و الوصول إلى الله عزّ و جلّ و إلى كرامته و عفوّه و رضوانه و غفرانه» امام علی علیه السلام در معنای «قد قامت الصلاة» در اقامه فرمود: یعنی، وقت دیدار و راز و نیاز و برآورده شدن حاجت‌ها و رسیدن به آرزوها و وصال خداوند عزّ و جلّ و کرامت و عفو و خشنودی و آمرزش او فرارسیده است.

اذان یک فرهنگ است

لذاست که عرض می‌کنیم حتماً در موقع اذان ساکت باشید. به اذان و اقامه گوش بدهید. روایت دارد کسی که موقع اذان و اقامه صحبت کند لال از دنیا می‌رود؛ و بعضی جاها دارد که چنین کسی نزدیک است که با کفر از دنیا برود. اذان یک

فلسفه‌ای دارد اما همه حرف می‌زنند موقع اذان. اذان یک دستور و برنامه است.

مردم تا رکوع امام در حال حرف زدن هستند. درک کردن بسم الله الرحمن الرحيم امام در نماز جماعت ثواب دارد. در نماز جمعه درک ثوابش برای وقتی است که هنوز خطبه‌ها شروع نشده است. خطبه که شروع شد ملائکه‌ای که مأمور نوشتن اسامی افرادی بودند که به نماز جمعه آمدند دفترشان را جمع می‌کنند و می‌روند. البته کسانی هم که می‌آیند ثبت می‌شوند؛ این را بهانه نکنید و دیگر نیابید که بگویید امام خطبه‌اش را شروع کرد دیگر نرویم. اهل سنت هیچ حرف نمی‌زنند. مسجدالنبی سکوت محض است. اگر هم دو نفر دارند باهم حرف می‌زنند ایرانی هستند.

اذان یک فرهنگ است. باید افراد را برانگیخته کند. اذان خیلی مهم است که چه کسی اذان بگوید. مؤذن در فرهنگی دینی ما حقوق‌بگیر است. باید عادل باشد. برای مؤذن خانه می‌گیرند همان‌طور که برای قضات خانه می‌گیرند. از بیت‌المال باید حقوق بگیرند. اذان و اقامه خیلی مهم است. همه این کارها برای نزدیک شدن به خداست.

هدف زیارت دیدار خداست

شما به زیارت امیرالمؤمنین که می‌روید، به زیارت حسین علیه‌السلام که می‌روید، به زیارت امام رضا علیه‌السلام می‌روید چه می‌گویید؟ وقتی به زیارت امیرالمؤمنین می‌رویم

می‌گوییم «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ بِزِيَارَةِ أَخِي رَسُولِكَ» خدایا بنده و زائرت به سوی تو آمده به واسطه زیارت قبر برادر پیغمبر تو به تو نزدیک می‌شود؛ یعنی زیارت مقرب ما به خداست. می‌رویم کنار امیرالمؤمنین اما با خدا کار داریم؛ همان‌طور که در نماز با خدا کار داریم، در روزه با خدا کار داریم. «وَعَلَى كُلِّ مَاتِيٍّ وَ مَزُورٍ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَاتِيٍّ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ» و بر هر میزبانی حقی است برای کسی که بر او وارد شده و به زیارتش آمده و در حقیقت تو بهترین و باکرامت‌ترین زیارت شده هستی.

کنار قبر امام حسین علیه‌السلام هم که می‌روید همین‌طور است. کنار قبر امام رضا هم که می‌روید همین‌طور است. همه، ما را متوجه خدا می‌کند؛ یعنی هدف زیارت دیدار محبوب واقعی و حقیقی است؛ یعنی با دیدار اولیای الهی و اهل بیت عصمت و طهارت ما آماده دیدار خدا می‌شویم. اهل بیت باب الله هستند.

به هر تقدیر در سایه زیارت اهل بیت به خدا نزدیک می‌شویم و با اعلام برائت از دشمنان اهل بیت به خدا تقرب پیدا می‌کنیم. در روایت دارد «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَاشُورَا عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ تَعَالَى فِي عَرْشِهِ» امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر کس قبر اباعبدالله علیه‌السلام را زیارت کند در روز عاشورا عارفاً به حقه، مثل زیارت خدا در عرش است.

متن زیارت‌نامه‌ها مدرسه امامت و ولایت است

متن زیارت‌نامه‌ها مدرسه امامت و ولایت است. درس محبت به ذوات مقدسه به ما می‌دهد. انسان را با امام آشنا می‌کند. با امام که آشنا می‌شویم با توحید آشنا می‌شویم؛ یعنی در زیارت‌ها توحید ما تقویت می‌شود و نگاه توحیدی ما عمیق‌تر می‌شود. باید هر زیارتی که می‌رویم خداشناس‌تر شویم. توحید در ما قوی‌تر شود.

زیارت سه رکن دارد که اگر محقق شود بهترین جلوه زیارت محقق شده است

یکی از نمادهای تولا و تبرا زیارت اهل بیت است. زیارت خیلی مهم است. زیارت دل انسان را همسو می‌کند با مزور. البته زیارت آدابی دارد، مقارناتی دارد، شرایطی دارد، اجزایی دارد و بحث‌هایی دارد.

ما در زیارت یک زائر داریم؛ یعنی شخصی که میل پیدا کرده به چیزی یا کسی مثل پیغمبر، امام، پدر، دوست؛ و دوم مزور داریم؛ یعنی شخصی یا چیزی که ما به آن میل پیدا کردیم که او را ببینیم؛ یعنی ما زائر هستیم خدا مزور است. ما زائر هستیم امام حسین مزور است؛ و سوم خصیصه باطنی و درونی در ما به نام گرایش قلبی که پیدا می‌کنیم برای تکریم و تعظیم و انس گرفتن با کسی که داریم به زیارتش می‌رویم. پس زیارت سه رکن دارد؛ هر کدام از این سه رکن تضعیف شود این زیارت به درد نمی‌خورد؛ یعنی اگر زائر میلش میل

الکی باشد یا آن کسی که می‌خواهد او را زیارت کند یک چیز موهوم و الکی باشد یا در درونش گرایش حقیقی وجود نداشته باشد این زیارت به درد نمی‌خورد. این سه باید با هم باشد تا زیارت واقعی و حقیقی شود.

اگر زائر از معرفت بالایی برخوردار باشد خودش دارای کمالاتی باشد و دارای ایمان واقعی باشد و توجه داشته باشد، بعد برود به زیارت مزوری که او هم یک شخصیت الهی است، یک انسان کاملی در عالم هستی است و قصد و جدیت کسی که به زیارت رفته قصد جدی و حقیقی باشد بهترین جلوه زیارت محقق شده است. هر کدام هم نقص داشته باشد زیارت نقص پیدا می‌کند.

ادب حضور

در قرآن کریم داریم که صدای خودتان را در کنار پیغمبر بلند نکنید «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ» بعد کسانی کنار ضریح اهل بیت داد می‌زنند که برای سلامتی امام زمان صلوات بفرست! این یعنی نه خودش را می‌بیند، نه مزور را می‌بیند، نه اصلاً حواسش هست. تمام حواسش این است که از مردم صلوات بگیرد. مثل این می‌ماند که جلوی شخصیت بزرگی هستید در چنین موقعیتی آدم زبانش بند می‌آید؛ آن‌هم کنار امام معصوم شما می‌توانید داد بزنید؟

ادب زیارت این نیست که کسی صدایش را بلند کند. ادب این است که انسان از درون خشوع داشته باشد و از بیرون

خضوع. ارتباط بگیرد؛ بدون ارتباط وارد نشود. بدون اذن دخول وارد نشود. البته کسی هم آموزش نداده متأسفانه. تربیت هم نشده‌اند در این زمینه. زائر باید مزور را ببیند؛ باید او را درک کند؛ حس کند که الان در محضر امام قرار گرفته است.

یکی از بهترین زیارت‌ها حضرت ولی عصر ارواحنا فدا زیارت آل یس است

یکی از بهترین زیارت‌های حضرت ولی عصر ارواحنا فدا زیارت آل یس است که به انشا خود امام است. امام خودش یاد داده که هر وقت خواستید به زیارت من بیایید این‌ها را بگویید. اگر ما هرروز نمی‌توانیم زیارت آل یاسین را بخوانیم برای خودتان برنامه بریزید که هر از چند گاهی بخوانید. بعضی از اولیا خدا و علما هرروز می‌خواندند. اگر نشد هفته‌ای یک‌بار، ماهی یک‌بار، ۲۰ روزی یک‌بار.

این زیارت از ویژگی‌هایش این است که هم زیارت است، هم دعا است؛ به قول یکی از بزرگان مجمع البحرین است.

سند زیارت آل یس

از قدیمی‌ترین متونی که این زیارت را نقل کرده احتجاج مرحوم طبرسی است رضوان‌الله‌علیه؛ که در جلد دوم آن این روایت را آورده است. ایشان از علما و محدثین بزرگوار ما شیعیان در قرن ششم هجری است. از مشایخ بزرگ روایی ما و از مشایخ مرحوم ابن شهرآشوب است.

البته مرحوم علامه محمدباقر مجلسی رضوان‌الله‌علیه در بحار در سه جا روایت زیارت آل یاسین را آورده است. مرحوم ابن المشهدی یعنی محمد بن مشهدی که از علمای نیمه دوم قرن ششم هجری است ایشان هم بدون واسطه از ابن شهرآشوب نقل حدیث می‌کند. کتابی دارد به نام مزار کبیر که روایت زیارت آل یس را در آنجا آورده است.

مرحوم سید بن طاووس هم در کتاب مصباح الزائر خودش آن را به‌عنوان توقیعی که از ناحیه مقدسه حضرت حجت سلام‌الله‌علیه صادر شده آورده و گفته در سرداب مقدس این توقیع خوانده شود و اسمش را گذاشته زیارت ندبه که محمد بن عبدالله حمیری ناقل روایت است. دستور به خواندنش هم در سرداب مقدس آمده. شبیه زیارت آل یاسین است البته اضافاتی دارد و کسری‌هایی دارد.

اما آن چیزی که مرحوم طبرسی نقل کرده در احتجاج دیگر قید سرداب را ندارد؛ در هر کجا و هر زمان حال پیدا کردید می‌توانید این زیارت را بخوانید. من هم برای شرح زیارت آل یس متن را از احتجاج برای شما می‌گویم. این مقدمات را می‌گویم تا سند را اول محکم کنم بعد ان‌شاء‌الله وارد زیارت شویم.

راوی زیارت ابوجعفر محمد بن عبدالله حمیری است؛ از علمای بزرگ ماست. علمای رجال او را به بزرگی و قداست می‌شناسند. کتب زیادی داشته اما در دسترس ما نیست.

اواخر غیبت صغرا زندگی می کرده. با حضرت مکاتباتی داشته و توقیعاتی از امام علیه السلام دارد. پدرش هم عبدالله بن جعفر حمیری او هم از بزرگان حدیثی شیعه است. از ثقات اصحاب و مورد اعتماد امام هادی و امام عسکری بوده و از افتخاراتش این است که نامه به امام زمان علیه السلام نوشته و حضرت جوابش را داده و کتابی هم از ایشان مانده که قرب الاسناد است که دوستان طلبه من می دانند.

علی بن بابویه قمی، پدر شیخ صدوق از حمیری نقل حدیث می کند. محمد بن حسن ولید از بزرگان مشایخ است در قم که شیخ صدوق و شیخ کلینی و محمد بن عبدالله جعفر حمیری شاگردهای او هستند؛ یعنی در حقیقت شیخ صدوق و کلینی و حمیری هم عصر هستند که اینها این حدیث را نقل می کنند.

ویژگی منحصر به فرد زیارت آل یس

معمولاً در زیارت نامه ها معصوم از یک معصوم دیگر نقل می کند. مثلاً برای زیارت امیرالمؤمنین امام سجاد علیه السلام می فرماید هر وقت به زیارت امیرالمؤمنین رفتید این طور بگویید. یا مثلاً امام صادق علیه السلام فرمودند به زیارت امام حسین رفتید این طور بگویید. یا در زیارت جامعه، امام هادی علیه السلام می فرماید که اهل بیت را این طور بخوانید.

اما زیارت آل یاسین تنها زیارتی است که خود آن امام می فرماید من را هر وقت خواستید زیارت کنید این طور

بگویید. دیگر هیچ زیارتی مثل زیارت آل یاسین نداریم که خود معصوم بفرماید که هر وقت خواستید به زیارت من بیایید و به من توجه کنید با من این طور صحبت کنید. این از ویژگی های زیارت آل یاسین است.

وقتی خواستید به وسیله ما به خدا توجه کنید بگویید

«سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَس»

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ، وَ لَا مِنْ أَوْلِیَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِالْعَهَّةِ فَمَا تُغْنِی النَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَّیُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَیْنَا وَ عَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِیْنَ».

بسم الله الرحمن الرحيم؛ حضرت اینجا با شکوه شروع می کند: نه فرمانش را تعقل می کنید و نه از اولیایش می پذیرید؛ یعنی نه اهل تقلید نه اهل پذیرش. حکمتی است کامل و رسا، ولی بیم دادن ها سود ندهد به قومی که ایمان نمی آورند، سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا.

بعد می فرماید: «إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجَّهَ بِنَا إِلَى اللّٰهِ وَإِلَیْنَا، فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی: سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَسِیْنَ» همان حرفی که در اول بحث زدیم اینجا از حضرت داریم می شنویم که وقتی خواستید به وسیله ما به خدا توجه کنید یعنی خواستان باشد که توجه همه باید به سمت خدا باشد و به ما هم توجه داشته باشید بگویید همان حرفی را که خدا زد راجع به ما «سلام علی آل یس».

زائر باید توجه داشته باشد که هیچ موجودی مستقل از خدا نیست

در تویع مبارک، خود حضرت می‌فرماید وقتی می‌خواهید به وسیله ما به خدا توجه کنید و به خود ما توجه کنید، همان‌طور که خدا گفت شما بگویید «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یس». این زیارت دو بخش دارد؛ یک بخش هم دعاست که به مرور ان‌شاءالله عرض می‌کنیم.

عرض کردم ما در زیارت توجه تام و تمامان به خدای تعالی است. اصلاً زائر وقتی در مقابل مزور قرار می‌گیرد؛ شما وقتی در مقابل امام رضا یا امام حسین قرار می‌گیرید، توجه شما به خداست که در جلسه گذشته مطالبی را راجع به این موضوع عرض کردیم. لذا از همان اول در اینجا امام عصر ارواحنا فداه به همین نکته اشاره دارد که «إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجَّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ» یعنی اگر می‌خواهید به وسیله ما بروید به سمت خدا و البته به خود ما هم توجه داشته باشید این‌طور بگویید.

در هیچ حالی انسان نباید خدا را فراموش کند؛ و باید بدانیم هیچ موجودی مستقلاً در کنار خدای تعالی کاری از او بر نمی‌آید. اهل بیت چون عین الربط هستند و واسطه فیض‌اند خدا آن‌ها را این‌طور قرار داده است. در عرض خدا نیستند که خدا کار کند پیغمبر هم کار کند. در طول خدا هستند

که آن‌هم به اراده خداست. خدا یک سری امور را در اختیار آن‌ها قرار داده است.

به‌طور مستقل هیچ موجودی غیر از خدا توان تصرف در عالم را ندارد. حتی مرتاض‌های هند هم که تصرفاتی دارند به اراده خداست چون خدای تعالی گفته من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای را ضایع نمی‌کنم. هر کس تلاش کند ثمره تلاشش را می‌بیند. او چهل روز با یک بادام خودش را زنده نگه داشته و اثر آن چنین قدرتی است مثلاً.

در عالم هیچ‌چیزی مستقل نیست. ممکن است خدای تعالی بعضی را مجرای بعضی از امور قرار دهد که وسیله‌ای باشد اما مستقلاً هرگز نیست. زائر باید به هنگام زیارت این نکات را مدنظر داشته باشد. وقتی می‌رویم می‌گوییم امام حسین برای من این کار را بکن، امام رضا برای من این کار را بکن؛ یعنی اختیار یک سری از امور را خدای تعالی به شما داده است. نه اینکه خودت مستقلاً کار می‌کنی. باید به این توجه داشته باشید.

اگر انسان گاهی از مزور چیزی می‌خواهد یعنی شما برای ما از خدا بخواهید. نزد خدا قرب دارید، منزلت دارید، باب الله هستید که خدا گفته خواستید پیش من بیایید از این دربیاید. در زیارت می‌خوانیم که «یا ولیّ الله! إنّ بَیْنَنا وَ بَیْنَکَ اللهُ عِزٌّ وَ جَلٌّ ذُنُوباً لا یأتی علیها إلّا رضاکم» ای ولی خدا! یا

امام رضا! من خطاهایی کردم. خدا در اختیار شما قرار داده که شما راضی بشوید خدا راضی می‌شود.

اینجا هم حضرت ما را متوجه این مسئله می‌کند که پیش ما هم که آمدید به واسطه ما به خدا توجه کنید و به ما هم توجه کنید در آن مواردی که خدا گفته؛ مثلاً باران را به واسطه این‌ها می‌فرستیم. رزق را به واسطه این‌ها به شما می‌دهیم. کاملاً توجه می‌دهد که بخشی از کارهای عالم توسط ذوات مقدسه اهل بیت علیهم‌السلام انجام می‌گیرد. مطالب عمیق و دقیق دیگری اینجا هست که در مقام بیان آن نیستیم.

اهل بیت عصمت و طهارت از خدا جدا نیستند

در ابتدای زیارت آل یاسین در یک بیان و در یک زمان دو چیز می‌خواهد «إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجَّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَ أَلَيْنَا» خب ما باید یا به خدا توجه کنیم یا به اهل بیت. در یک زمان که نمی‌شود دو توجه داشت. از همین ابتدای زیارت دارد شروع می‌کند به پیام دادن. پیام مهمی را حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به زائر القا کرده است و آن این است که اهل بیت عصمت و طهارت از خدا جدا نیستند. توجه به خدا و اهل بیت یک توجه است.

ائمه علیهم‌السلام جلوه خدا و مظهر اسماء و صفات خدا هستند. هر کس بخواهد به خدا قربی پیدا کند راهش همین است؛ و اتفاقاً در موارد فراوانی همین نکته در زیارات و ادعیه تذکر داده شده است. بخش زیادی از زیارت جامعه کبیره

دارد همین را به ما می گوید «مَنْ أَرَادَ اللّٰهَ بَدَأَ بِكُمْ» هر کس اراده خدا داشته باشد از شما آغاز می کند «وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنكُمْ» هر کس او را به یکتایی بپرستد این توحیدش را از شما دارد «وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ» هر کس قصد خدای تعالی را دارد باید به شما توجه کند.

انسان کامل یعنی معصوم علیه السلام مظهر اسماء و صفات خداست. واسطه‌ای است که کار در اختیار اوست. هم دستگیری می کند هم می‌رساند به مقصد. در زیارت امام رضا علیه السلام هست که «اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَبِوَلَايَتِهِمْ» خدایا من می‌خواهم به تو نزدیک شوم اما به محبت و ولایت آن‌ها به درگاه تو تقرب می‌جویم به واسطه دوستی اهل بیت.

کتاب «ادب فنای مقربان» مطالعه کنید

خود مبحث زیارت خیلی مباحث فراوانی دارد حوصله کردید خواستید مطالعه کنید کتاب «ادب فنای مقربان» شرح زیارت جامعه کبیره شیخنا الاستاذ علامه جوادی آملی است در بخش اول این کتاب زیارت را معنا می‌کند که زائر کیست مزور کیست زیارت را توضیح می‌دهد اگر حوصله کردید به آنجا مراجعه کنید

یاسین اسمی از اسماء رسول خداست

فرمودند: هرگاه خواستید به ما توجه کنید همان طور که خدا فرموده بگویید «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنِ» البته در قرآن دارد

که «سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ». یاسین اسمی از اسماء رسول خداست. در روایات هم مکرر بیان شده است. «یا اِبْنَ رَسُوْلِ اَللّٰهِ، مَا مَعْنٰی قَوْلِ اَللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ: یَس؟ قَالَ: اِسْمٌ مِنْ اَسْمَاءِ النَّبِیِّ (صَلَّی اَللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ، وَ مَعْنَاهُ: یَا اَیُّهَا السَّمْعُ الْوَحْی، وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیْمِ، اِنَّکَ لِمَنْ الْمُرْسَلِیْنَ عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ» از امام صادق سؤال کردند این کلمه که در قرآن آمده، یاسین معنی اش چیست؟ فرمود اسمی از اسماء پیغمبر است و معنایش این است که ای کسی که وحی را می شنوی.

از امام باقر سلام الله علیه نقل است که برای رسول خدا ۱۲ اسم است که ۵ اسم آن در قرآن آمده است؛ محمد و احمد و عبدالله و یاسین و نون. طاها هم هست در بعضی از روایات.

روایت دیگر از امیرالمؤمنین سلام الله علیه است که: «فِی قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَس قَالَ یَس مُحَمَّدٌ وَ نَحْنُ آلُ یَس؛ یاسین، محمد است و ما آل یاسین هستیم». با اینکه امیرالمؤمنین فرزند پیغمبر که نیست ولی می فرماید ما آل پیغمبر هستیم.

سلام به انبیاء در قرآن

راجع به سلام هم یکی دو کلمه به شما بگویم در قرآن به انبیا الهی زیاد سلام داده شده. در سوره مبارکه صافات بیشتر این سلامها آنجاست؛ سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِی الْعَالَمِیْنَ ﴿۷۹﴾ سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ ﴿۱۰۹﴾ سَلَامٌ عَلٰی مُوسٰی وَ هَارُونَ ﴿۱۲۰﴾ اما ندارد که سلام علی آل نوح، علی آل ابراهیم، علی آل موسی.

برای هیچ‌یک از انبیا الهی بر آل آنها سلام فرستاده نشده. فقط این فضیلت را بر رسول خدا داده. البته در قرآن داریم که «انّ اللّٰهَ اصْطَفٰى اٰدَمَ وَنُوْحًا وَّآلَ اِبْرٰهِيْمَ وَّآلَ عِمْرٰنَ عَلٰى الْعٰلَمِيْنَ» ۳۳ آل عمران. ولی این ربطی به سلام ندارد. آل ابراهیم هم که همان پیغمبر اسلام است.

در زیارت آل یاسین حضرت فرمودند که همان طور که خدای تعالی به ما سلام داده شما هم همان طور سلام بدهید. خب خدا در قرآن چطور سلام داده؟ سوره مبارکه صافات از ۱۳۰ تا ۱۳۲ «سَلَامٌ عَلٰى اِلٰى يٰسِيْنَ اِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِيْنَ».

سلام از اسماء حسناى الهى است

خود سلام از اسماء حسناى الهى است. در آیه ۲۳ حشر فرمود: «هُوَ اللّٰهُ الَّذِى لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ...» در زیارت اول حضرت بقیه الله در سرداب مقدس هم این عبارات را دارد «اللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ لَكَ السَّلَامُ وَ اِلَيْكَ يَعُوْدُ السَّلَامُ»؛ یعنی خدا خود سلام است؛ یعنی هر تسلیمی از ناحیه هرکسى که باشد برای خدای تعالی است مثل الحمدلله که در طول زندگی در همه عالم، مؤمن و کافر، هر کس از هر کس تشکر کند برای خداست.

«اللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ» هم شبیه همین است. هر تسلیمی فقط برای خداست. هرچه سلامتی هست، هرچه افاضه هست،

هرچه نعمت هست، هرچه عنایت هست، مالک اصلی‌اش خداست. باید به خدا تسلیم شود. خداست که فقط شایستگی عبادت و تسلیم شدن را دارد. خداست که خیر مطلق و سلامت مطلق و آرامش مطلق و ایمنی مطلق است. تسلیم تمام هستی مطلقاً در اختیار خداست. خدا عین سلام است. اگر کسی توانست خدا را شرح کند و توضیح دهد سلام را هم می‌تواند شرح و توضیح دهد.

مؤمنین و محسنین از سلام خدا بهره‌مندند

سلام یکی از اسمای خدای تعالی است و خدا تمام بندگانش را هم به دارالسلام خوانده است «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» سوره یونس آیه ۲۵.

آنجا که خدای تعالی فرمود: «سَلَامٌ عَلَيَّ إِلَىٰ آلِ يَاسِينَ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ» یعنی انسان مؤمن همیشه در سلامت به سر می‌برد و این پاداشی است که خدای تعالی به افراد صالح می‌دهد. هرکسی از احسان برخوردار باشد از پاداش خدای تعالی بهره‌مند می‌شود؛ خدا بر او سلام می‌دهد.

سلام یعنی سلامتی از نقص و عیب. اگر خدا به کسی سلام بفرستد یعنی در سلامت از هر عیبی و عذاب است. ما می‌گوییم سلام‌علیکم یعنی سلامتی از طرف خدا بر تو. یکی از بهترین ابزارهای تکریم و ارادت و محبت و مودت سلام است. روابط اجتماعی را تقویت می‌کند.

تعبیری را شیخنا الاستاذ دارد که شما می‌گویید سلام‌علیک و شخص مقابل شما جواب می‌دهد و علیک‌السلام. سلام اسم خدا بود؛ ایشان می‌گویند این رفت‌وبرگشت مظهر هو الاول و الاخر است؛ یعنی سلام اول، هو الاول و سلام آخر، هو الاخر است.

سلام ملائکه و پیغمبر بر مؤمنین

بحث سلام در قرآن زیاد است؛ ملائکه هم سلام می‌فرستند که در قرآن آیاتی داریم مثل «وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» ۷۳ زمر.

یا در قرآن به رسول خدا دستور داد که به مؤمنان سلام بده «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» ۵۴ انعام.

سلام به همه شئون حضرت ولی عصر ارواحنا فداه

حضرت ولیعصر ارواحنا فداه فرمود هر وقت خواستید به ما توجه کنید همان‌طور که خدا به ما سلام داده سلام دهید «سَلَامٌ عَلَى آلِ يَس» که با این سلام به همه شئون حضرت ولی عصر ارواحنا فداه اشاره شده؛ چون حجت خدا سلام‌الله‌علیه در همه شئونش، اوصافش، اخلاقش، حرکاتش، همه وجود حجت خدا نشانه و مظهر خداست؛ لذا به همه شئون او سلام می‌دهد.

یک‌وقت به‌صورت کلی اشاره می‌شود؛

مثل «سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» یک وقت جزئی تر می شود مثل «وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا» یک وقت هم تفصیل داده می شود؛ مثل زیارت آل یاسین که به جزء جزء سکنات و حرکات و عبادات و زمان های حضرت سلام داده شده.

سلام به امام معصوم یعنی من تسلیم محض تو هستم
مؤمنین وقتی به هم می رسند سلام می دهند یعنی به هم اعلام آرامش می کنند. اعلام امنیت می کند که از سمت من هیچ گزندی به تو نمی رسد. وقتی به امام معصوم سلام بدهیم مثلاً می گوئیم السلام علیک یا ابا عبدالله یا السلام علیک یا علی بن موسی الرضا یعنی با توجه و حضور قلب به تمام معارفی که مربوط به سلام است من به تو سلام می دهم؛ یعنی من تسلیم محض تو هستم. جان من، مال من، عرض و آبروی من، راه من، عقیده من، من نسبت به شما کوتاهی ندارم، حتی میل و اراده ای هم نسبت به شما ندارم؛ میل و اراده شماست که جلو است.

زیارتی هم که می گویند باید عارفاً به حق باشد یعنی چه؟ خود حضرات معصومین میگویند یعنی باید باورتان باشد که گوش به حرف ما بدهید. اطاعت ما واجب است. هرچه که گفتم واجب است که بگویی چشم؛ یعنی کوتاهی ندارم نسبت به دستورات شما.

«سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَس» یعنی از سمت ما هیچ گزندی به آل پیغمبر نمی‌رسد. واقعاً نمی‌رسد؟

۴۰ سلام

در زیارت آل یاسین زائر ۴۰ سلام به حضرت می‌دهد که بخشی صفات حضرت است، بخشی افعال حضرت و عبادات حضرت است و بعضی اوقات حضرت است.

ادب شروع زیارت آل یس

زیارت نورانی آل یاسین که یکی از بهترین زیارت‌هایی است که راجع به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه صادر شده از ناحیه خود حضرت - که اگر خواستید ما را زیارت کنید ما را با این کلمات بخوانید - محتوای آن و بخش‌های آن بسیار پرنور و گرامی است.

زیارت حضرت ولیعصر که زیارت آل یاسین است، مربوط به حضرت است؛ اما اول زیارت اولین سلام را به اهل بیت می‌دهد. باید مثلاً مثل زیارت امام حسین علیه السلام اینطور شروع کنیم که «السلام علیک یا ابا عبدالله» ولی در اینجا می‌گوییم «سَلَامٌ عَلَی آلِ یس» از همان اول سلام را می‌برد به همه معصومین از آل پیغمبر.

این نوع شروع زیارت ادبی است که زائر نسبت به مزور به خرج می‌دهد. دارد احترام و اکرام می‌کند که من به زیارت تو آمدم اما اول آباء و اجداد تو را مورد کرامت قرار می‌دهم. اول به خاندان تو سلام می‌دهم. آل یاسین یعنی پدر و اجداد حضرت حجت سلام الله علیه تا می‌رسد به پیغمبر اکرم.

اختلاف قرائت‌ها

مطلبی را هم درباره آیه «سَلَامٌ عَلَی آلِ یاسین» که در قرآن هست خدمت شما عرض کنم که در قرائت نافع و قرائت

ابی عامر و بعضی دیگر از قراء آنها هم «آلِ یاسین» می‌خوانند؛ ولی چون قرائت ما حَفْصٌ از عاصِمٌ است «إِلِ یاسین» نوشته و خوانده می‌شود. حدود ۲۳ قرائت داریم که هفت قرائت مشهور است.

آغاز سلام‌های اختصاصی

بعد از سلامی که به صورت عام و عمومی به همه اهل بیت می‌دهد که «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یس»، شروع می‌کند به سلام‌های اختصاصی؛ «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِیَّ آیَاتِهِ» سلام بر تو ای دعوت کننده خلق به سوی خدا و ای پروراننده آیات خدا.

گفتم خدمت شما که این زیارت ۴۰ سلام دارد. در این بخش هم دو سلام دارد با واو عطف؛ یعنی «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ» و «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَبَّانِیَّ آیَاتِهِ».

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ»

داعی یعنی دعوت کننده؛ کسی که دیگری را می‌خواند و صدا می‌کند. در اینجا که می‌گوییم «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ» یعنی سلام بر تو ای کسی که خدا را می‌خوانی. البته به قول ما طلبه‌ها ممکن است این کلمه دو مفعولی باشد؛ یک مفعولش در تقدیر گرفته شده و حرف جر هم حذف شده؛ یعنی می‌شود «دَاعِيَ اللَّهِ» یعنی ای کسی که انسان‌ها را به سوی خدا می‌خوانی.

اگر بخواهیم ترجمه کنیم می‌گوییم: سلام بر تو ای کسی که خدا را می‌خوانی یا سلام بر تو ای کسی که مردم را به سوی خدا می‌خوانی. هر دوی این ترجمه‌ها از کمالات حضرت حجت سلام الله علیه است.

شبهه همین مطلب را ما در زیارت جامعه کبیره داریم. به حضرات معصومین این گونه عرض می‌کنیم که «السَّلَامُ عَلَيَّ الدُّعَاءُ إِلَى اللَّهِ» سلام بر کسانی که دعوت کننده به سمت خدا هستید. همه این خاندان به سمت خدا دعوت می‌کنند؛ اما مدت دعوت آنها منحصر در زمان عمرشان بود؛ کوتاه بود. پیغمبر ۶۳ سال، امیرالمومنین ۶۳ سال، امام صادق ۶۵ سال ولی امام عصر از همه اهل بیت طولانی‌تر دعوت به خدا کرده است.

مقام بلند دعوت

«دَاعِيَ اللَّهِ» یا «دَاعِيَ آلِي اللَّهِ» مقامی است که ما داریم به آن مقام سلام می‌دهیم. اهمیت این مقام با همین سلام روشن می‌شود. آنجا هم که می‌گوییم سلام بر ایستادنت، سلام بر نشستنت، سلام بر رکوع و سجودت، چون همه آنها مسئله دارد و به این سادگی‌ها نیست. ایستادن و نشستن و خوابیدن و خوردن ما اهمیتی ندارد ولی به امام که می‌خواهیم خطاب کنیم یعنی یک جایگاه و مقام است.

وقتی می‌گوییم «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ» مقامی است که مقامات دیگر حضرت را هم در بر می‌گیرد؛ و مقدمه کمالات

دیگر حضرت حجت سلام الله علیه است. «داعی الله» مقام است. مقام بسیار بلندی هم هست. از عهده هر کسی بر نمی آید. «داعی الی الله» باید حتماً معصوم باشد، لغزش و خطا نداشته باشد تا بتواند مردم را به خدا برساند و به خدا دعوت کند. قطعاً چنین کسی باید از علم وافر و علم زیادی و علم لدن برخوردار باشد تا مردم را به انحراف نکشاند.

لذا وقتی ما می گوییم «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ» داریم سلام می دهیم به حجت مطلق خدا؛ یعنی کسی که هم معصوم است هم عالم است. سلام می دهیم به تو ای کسی که هم معصوم هستی؛ لغزش و خطا نداری؛ هم عالمی و اشراف به همه معارف الهی و تمام دانش های عالم داری. چون این ها را داری و چون چنین هیمنه ای را داری می توانی «داعی الی الله» باشی.

«داعی الی الله» هادی الی الله است

اینکه امام دعوت می کند به خدا یعنی به سوی خدا هدایت می کند؛ یعنی «داعی الی الله» هادی الی الله است؛ یعنی «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا هَادِيَ الْأُمَّةِ» یعنی در حقیقت داریم به هادی امت سلام می دهیم. او وقتی دارد به خدا دعوت می کند یعنی دارد به هدایت دعوت می کند. این مطالب مطالبی است که در دعاها و زیارت های دیگر هم داریم. بعداً ان شاء الله وقتی دعاها و زیارت نامه ها را بخوانید این ها را به یاد بیاورید.

جلوه‌های هدایت حسین علیه السلام را مطالعه کنید

ببینید ما در زیارت امام حسین علیه السلام این گونه عرض می‌کنیم که «لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ، إِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ وَ لِسَانِي عِنْدَ اسْتِنصَارِكَ، فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَسَمْعِي وَبَصَرِي» لبیک ای خواننده خدا، اگر بدنم هنگام استغاثات و زبانم وقت یاری خواستنت، پاسخت را نداد هر آینه دل و گوش و چشمم پاسخت را داد. «لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ» ای حسین، ای عزیز خدا، ای که به کمک خدا دعوت کردی، من دارم دعوت تو را پاسخ می‌دهم.

این زیارتنامه امام حسین علیه السلام است و دارد امام حسین را داعی الله معرفی می‌کند؛ یعنی کسی که تمام تلاش خودش را انجام داده تا مردم را هدایت کند و به سمت خدای تعالی دعوت کند. حضرت در همان روز عاشورا در صحنه‌های مختلف هدایت کرد؛ دعوت به خدا کرد هر لحظه. کتاب کلمات امام حسین از مدینه تا مکه و از مکه تا کربلا چاپ شده است. تمام صحبت‌های این چند ماه را گردآوری کرده که در آن دریایی از معارف است و یکی از چیزهایی که در آن دیده می‌شود بعد هدایتی حضرت است.

هادیان امت

«دَاعِيَ إِلَى اللَّهِ» یعنی هادی الی الله. این از بهترین حسناتی است که کسی می‌تواند در اختیار داشته باشد. در قرآن کریم هم خطاب به رسولش او را داعی (هادی) الی الله خطاب

کرده. در سوره مبارکه رعد آیه هفتم فرمود «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» انذار خودش یک بعد هدایتی دارد؛ دعوت به خداست از بعد سلبی. پیامبر فرمود من منذر امت هستم و تو ای علی هادی امت هستی.

در یک روایت دیگر دارد که وقتی آیه نازل شد خود امیرالمومنین فرمود: پیامبر فرمود که منذر امت است و من را هادی امت نامید. وقتی امیرالمومنین هادی است این ویژگی به بقیه ائمه هم می‌رسد.

اولین دعوت کننده به سمت خدا خود خداست

اینکه عرض کردم داعی الی الله بودن صفت پر اهمیتی است، از همین آیات قرآن و از روایات اهل بیت به دست می‌آید. چه کسانی به سمت خدا دعوت می‌کنند؟ به قرآن مراجعه میکنیم و به روایات مراجعه میکنیم. وقتی سلام به حجت خدا می‌دهیم که تو داعی الی الله هستی آیا قبل از او هم داعی بوده؟ چون این یک مقام است.

اساساً دعوت می‌کنند تا شخص رنگ خدایی بگیرد، خدا صفت شود، الهی شود. اولین دعوت کننده به سمت خدا خود خداست. خود خدا داعی الا الله است. در آیه ۲۵ سوره مبارکه یونس آنجا همه انسان‌ها را دعوت کرده است «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» خدای تعالی به سمت خانه آباد و سلم و سلام دعوت می‌کند. گفتیم یکی از اسامی خدا سلام است. هم بهشتش دارالسلام است، هم

خودش سلام است، هم کلام اهل بهشت سلام است، هم ملائکه وقتی بهشتیان را تحویل می‌گیرند سلام می‌دهند»
سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ».

در دعا دارد که «أَنْتَ دَلَّلْتَنِي عَلَيْكَ وَ دَعَوْتَنِي إِلَيْكَ» خدایا تو هستی که به سمت خودت دعوت می‌کنی. اولین دعوت کننده به سمت خدا که بیا خدایی شو بیا الهی شو بیا ربانی شو خود خداست.

درخواست مهلت برای اجابت دعوت

در روز قیامت کسانی که به خودشان و دیگران ظلم کردند، انسان به خودش ظلم می‌کند، در دعای کمیل می‌گوییم که «ظَلَمْتُ نَفْسِي» انسان وقتی وقتش را هدر می‌دهد، گناه و معصیت می‌کند عمداً و متعمداً دارد به خودش ظلم می‌کند. ظلم دایره وسیعی دارد؛ ظلم به خود، ظلم به دیگران، ظلم به خدا،

به طبیعت ظلم می‌کند، به هوا ظلم می‌کند، به نعمت‌های خدا ظلم می‌کند. اهل معرفت و دل مواظبند که حتی برگ درخت را نکنند بی جهت؛ چون او حیات دارد؛ حیات نباتی. حیوان مودی را هم می‌گویند بکشید ولی فقط با یک ضربه. زجر ندهید. البته حفظ جان واجب است. حیواناتی که آلودگی ایجاد می‌کنند، حیواناتی که برای جان انسان مضر هستند، این‌ها جای خود محفوظ.

بالاخره ظلم زیاد داریم. کسی که به دیگران و خودش ظلم کرده در روز قیامت می‌فهمد که دعوت‌هایی که شده بود و حرف‌هایی که شنیده بود همه درست بود. آنجا مهلت می‌خواهد. مهلت برای چه می‌خواهد؟ جالب است! می‌گویند خدایا مهلت بده تا دعوت‌های تو را اجابت کنیم.

آیه ۴۴ سوره مبارکه ابراهیم فرمود: «فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نَجِبْ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُولَ» خب الان که زنده‌ایم اجابت کنیم! این همه ما را دعوت کرده و گفته عمل صالح انجام دهید و به سمت دارالسلام حرکت کنید.

خطابات الهی را همه کس نمی‌شنوند

البته خطابات الهی را همه کس نمی‌شنوند. گوش‌ها که آلوده شد، چشم‌ها که آلوده شد، فکرها که آلوده شد، قلب‌ها که آلوده شد، زبانه‌ها که آلوده شد، نمی‌شنود. این‌ها باید پاک شود. قلب وقتی پاک شد چشم و زبان وقتی پاک شد می‌شنود. کسی که مواظب گوشش باشد گوشش باز می‌شود. کسی که مواظب چشمش باشد چشمش باز می‌شود. اگر کسی به او دروغ بگوید می‌فهمد. می‌بیند که دارد دروغ می‌گوید ولی چون مظهر ستاریت خدا می‌شوند این افراد، چیزی نمی‌گویند ولی می‌فهمند. آنجا که فرمود: «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ» از زیرکی مومن بترسید که او با نور خدا می‌بیند.

انبیا خدا خطابات الهی را می‌فهمند و واسطه می‌شوند و جانشینانشان هم خطابات را می‌فهمند که برسانند. رسول خدا این رسالت را داشت. در آیه ۴۵ تا ۴۷ احزاب فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا». «وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ» و دعوت کننده به سوی خدا.

پس اولین دعوت کننده خدا بود و بعد از خدا پیغمبر که آیات متعددی در این باره هست. آیه ۱۰۸ یوسف هم همین را می‌گوید. «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» من هم خودم را با بصیرت کامل و هم همه کسانی که از من تبعیت کنند به سمت خدا دعوت می‌کنم. بیایید تا برویم به مقصد برسیم.

بعد از رسول خدا در زیارت جامعه می‌خوانیم که «السَّلَامُ عَلَى الدَّعَاةِ إِلَى اللَّهِ» تمام اهل بیت بعد از پیغمبر اکرم دعوت کننده به سمت خدا هستند.

البته دعوت به سمت خدا درست است که مقام است؛ ولی تکلیفی است که به همه آمده. همه ما باید دعوت کننده به سمت خدا باشیم. «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّنْتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ» امام صادق فرمود: مردم همه شما دعوت کننده به سمت خدا باشید. با زبان نه؛ با عمل و رفتار.

بهترین شغل

بعد از انبیای الهی و ائمه علیهم السلام می‌رسد به روحانیت. بعد می‌رسد به بقیه مردم. می‌گوییم روحانیت چون آنها هم دعوت به حق دارند؛ و این را اگر شغل بخواهیم حساب کنیم بهترین شغل عالم روحانیت است؛ چون دعوت به سمت خدا دارد. آیه ۳۳ سوره مبارکه فصلت؛ «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» خیلی آیه قشنگی است. از کلامی که دعوت می‌کند به سمت خدا کلامی بهتر و قشنگ‌تر و زیباتر داریم؟

روحانی‌ای که دیدید دعوت به دنیا می‌کند تکذیبش کنید. تکفیرش کنید. بگویید تو کاسبی دروغگویی؛ ولو با سبک زندگی‌اش مثل اهل دنیا بود. نه اینکه نخورد و نیاشامد. متوسط زندگی را پیغمبر اکرم هم داشت. به اندازه متعارف که در سطح زندگی عموم جامعه است اشکالی ندارد. این دنیا زدگی نیست. اتراف و اسراف نباید داشته باشد. این چنین روحانی‌ای مسیرش مسیر پیغمبر نیست. لباسش را در بیاورد. هر جور دلش خواست زندگی کند؛ کسی با او کاری ندارد. نگوید که من در مثنی پیغمبر هستم.

از خدا بخواهید که جزو دعوت‌کننده‌ها باشید

به هر تقدیر خدا و پیغمبر و امام و کسانی که دعوت به سمت خدا می‌کنند و همه انسان‌ها که این صفت را دارند، این صفت

بسیار صفت بالایی است؛ لذا به ما سفارش کردند که از خدا بخواهید که شما هم در این مسیر قرار بگیرید.

امام سجاد علیه السلام در دعای پنجم از دعاهای صحیفه سجادیه اینگونه به خدای تعالی عرض می‌کند بعد از درود بر پیغمبر و آل پیغمبر: «وَ اجْعَلْنَا مِنْ دُعَاتِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ، وَ هُدَاتِكَ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ، وَ مِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» ما را در زمره دعوت‌کنندگان به سویت قرار بده و از جمله راهنماییانی که به تو دلالت و راهنمایی می‌کنند قرار ده و در حلقه خاصان از بندگانت درآر، ای مهربان‌ترین مهربانان.

پس این صفت و این مقام و این جایگاه، جایگاهی است که ما باید دست به دعا برداریم و از خدا بخواهیم که ما هم مردم را دعوت کنیم به سمت خدا و به سمت خیر. وظیفه اهل ایمان هم همین است در این سلسله.

دعوت را بپذیرید

بحث دعوت بحث مفصلی است. وقتی در قرآن و روایات نگاه می‌کنیم این بحث هست که دعوت چه باشد، چگونه انجام شود، با چه بیانی باشد، تا می‌رسد به آنجا که می‌فرماید دعوت را باید پذیرفت. پذیرش دعوت خودش یک بحثی است. آیه ۲۴ انفال می‌فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» وقتی پیغمبر شما را دعوت کرد بپذیرید.

زیارت‌نامه‌ها پر از معرفت است؛ با توجه بخوانید

زیارت‌های ماثور که از امام معصوم آمده چون کلام هدایتی اهل بیت در آن قرار گرفته هر بند و هر جزء و هر بخشش درس است. اینطور نیست که بگوییم فقط دو تا سلام داده است. تمام جزئش درس است. شما ببینید الان می‌گویید «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ» من خیلی مختصر داعی الله را معنا کردم. این عبارت‌ها پر از معرفت است. لذا باید با توجه باشد.

به زیارت که رفتید کمال حضور را توجه داشته باشید. شما الان پیش یک عالم که می‌روید سخت‌تان می‌شود حتی حرفتان را بنزید و مطالبتان را بگویید. اضطرابی شما را می‌گیرد. آن وقت در محضر امام معصوم، واسطه بین زمین و آسمان که تمام عالم در اختیار اوست باید خیلی مودب بود. در کمال خضوع و کمال خشوع. هم دلتان سرافکنده باشد هم خودتان سرافکنده باشید. ادب حضور را داشته باشید. مگر نمی‌گوییم که ما اعتقاد داریم که شما می‌شنوید، می‌بینید و سلام مرا جواب می‌دهید؛ یعنی هستید. بند بند این زیارت‌ها درس است. باید با دقت و توجه خواند.

ما که معصوم نیستیم؛ چگونه به خدا دعوت کنیم؟! فراز دیگری از زیارت آل یاسین اینجاست که «السَّلَامُ عَلَیْكَ ... وَرَبَّانِیَّ آیَاتِهِ». جلسه قبل نکاتی را راجع به داعی الله عرض کردم که کیست و تا می‌رسد به همه افراد. عرض کردم که داعی حتماً باید معصوم باشد تا بتواند بفهماند. یکی از دوستان سؤال کرد که اینجا تناقض پیش نمی‌آید؟ که در تعریف داعی گفتید که باید حتماً معصوم باشد و لغزش و خطا نداشته باشد تا بتواند مردم را به سمت خدا دعوت کند و قطعاً باید از علم هم برخوردار باشد؛ بعد گفتید هر کدام از ما هم می‌توانیم داعی باشیم. ما که معصوم نیستیم.

جواب این است که «داعیَ اللّهِ» معصوم است. ما اگر دعوت می‌کنیم دعوت داعی را منتقل می‌کنیم. آن چیزهایی که امام معصوم به ما یاد داده و خدای تعالی در قرآن فرموده ما آن دعوت‌ها را دوباره نشر می‌دهیم. «كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» یعنی آنچه را که پیغمبر گفته شما عمل کنید تا دعوت‌کننده مردم به سمت خدا باشید.

معنای آیه

«رَبَّانِیَّ آیَاتِهِ» سلام دوم زیارت آل یاسین است. درباره «رَبَّانِیَّ آیَاتِهِ» از جوانب مختلف می‌شود بحث کرد. اولاً تمام هستی نشانه‌ها و آیات خداست. آیات جمع آیه است. آیه به

معانی مختلفی در کتاب لغت آمده. مکث و انتظار آیه است. قصد کردن آیه است. شکفتن آیه است. جماعت آیه است. همه این‌ها را بخواهیم جمع‌بندی کنیم و معنای کلی برای آن در نظر بگیریم می‌شود نشانه. آیه یعنی علامت.

راغب اصفهانی در کتاب لغت وقتی می‌خواهد آیه را معنی کند می‌گوید: «علامت آشکار ملازم با چیز پنهان»؛ یعنی وقتی انسان با آگاهی به آن علامت می‌رسد آن چیزی که پنهان بود برایش آشکار می‌شود. مثل علائم راهنمایی رانندگی. شما نمی‌دانید این جاده پیچ دارد یا ندارد. پنهان و مبهم است برای شما. علامت گردش به چپ و راست را که می‌بینید بلافاصله آن پنهان برای شما آشکار می‌شود. علامت آشکار است که ملازم و همراه یک چیز پنهان است؛ که تا شما علامت را می‌بینید پنهان برای شما آشکار می‌شود. آیه یعنی این. تمام عالم هستی آیه‌ها و نشانه‌های خداست؛ چه آفاقی باشد چه انفسی. همگی حیات و علم و قدرت و رحمت و حکمت الهی را به ما نشان می‌دهد.

پاسخ‌های مختلف به آیات الهی

البته یک سری از انسان‌ها هم از این آیات غافل هستند. کسانی که از آیات غافل هستند اهل دوزخ‌اند. در آیه ۷ و قسمتی از آیه ۸ سوره یونس فرمود: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَٰئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» کسانی که از آیات ما غافل هستند جایگاهشان آتش است.

عده‌ای در دنیا نسبت به آیات الهی کور هستند؛ «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ». عده‌ای تکذیب کردند آیات الهی را. عده‌ای فراموش کردند. عده‌ای شبهه افکندند. عده‌ای تمسخر کردند آیات الهی را. همه این‌ها در قرآن کریم آمده و توضیح داده شده. بحث من چون بحث آیات به‌خصوص نیست فقط دارم اشاره می‌کنم.

نعمت‌ها آیه‌اند؛ خدا را نشان می‌دهند

خدای تعالی همه نعمت‌های خودش را آیه می‌داند. چرا؟ چون هر کدام از این‌ها را که می‌بینیم خدا را به ما نشان می‌دهد. ذکر نعمت‌ها توحید را در انسان تقویت می‌کند چون خدا را به ما نشان می‌دهد. ماه و خورشید و ستاره و دریا و کوه و صحرا حیاتان و سلامتی‌تان همه این‌ها آیات الهی است. تفکر در آیات الهی، چگونگی استفاده از آیات الهی، تقسیم‌بندی آیات الهی که عرض کردم آیات آفاقی و آیات انفسی است، مطالب مفصلی است که باید مستقلاً به آن پرداخت اما بحث ما آیات نیست.

معنای ربانی

در این زیارت که می‌گوییم «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَبَّانِيَّ آيَاتِهِ» این یعنی چه؟ سلام بر تو ای کسی که پرورش‌دهنده آیات خدا هستی. ربانی دو ریشه دارد. «ربب» و «ربو». اگر ربو باشد به معنای پرورش‌دهنده و تربیت‌کننده است. اگر رباب باشد به معنای صاحب و مالک و آقا است. رب البیت که

می‌گویند یعنی صاحب‌خانه. اگر ربو باشد به معنای تربیت است.

برای ربانی معانی مختلفی گفته شده است. ربانی یعنی منسوب به رب؛ مثل همدانی یعنی منسوب به همدان و شیرازی یعنی منسوب به شیراز. الف و نون آن اضافه است و برای مبالغه است. یاء آخر آن یاء نسبت است. می‌گوییم عالم ربانی یعنی عالم الهی و خدایی است.

گاهی ربانی گفته می‌شود یعنی کسی که منسوب به دین است و اطاعت از خدای تعالی در او استحکام دارد و شدید است. اهل اطاعت از خدا و دستورات خداست؛ مرحوم طریحی در کتاب لغتش -مجمع البحرین- این معنا را کرده است. گاهی هم می‌گوییم ربانی یعنی خداشناس. گاهی می‌گوییم ربانی یعنی کسی که تربیت شده رب است. این‌ها معانی لغوی بود که معانی اصطلاحی هم از آن استفاده می‌شود.

تربیت‌کننده آیات خدا

با توجه به این معانی حالا بخواهیم عبارت «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَبَّانِیَّ آیَاتِهِ» را معنا کنیم می‌شود سلام بر تو ای کسی که در میان آیات الهی ارتباط بیشتری با دین و اطاعت از خدای تعالی داری. تربیت‌کننده آیات خدای تبارک و تعالی هستی؛ یعنی مربی آیات هستی. گفتیم که آیات، تمام نشانه‌های هستی است. هرچه در عالم وجود دارد که خدا را

به ما نشان می‌دهد داریم می‌گوییم که مربی این‌ها تو هستی. تربیت‌کننده این‌ها تو هستی. تو این‌ها را پرورش می‌دهی.

این خیلی مقام بلندی است که به حضرت حجت سلام‌الله‌علیه سلام می‌دهیم و می‌گوییم «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَبَّانِیَّ آیَاتِهِ». خدای تعالی در عالم هرچه نعمت دارد و هرچه آیه دارد - که یکی از آیاتش هم انبیا الهی هستند - پرورش‌دهنده این آیات تو هستی. این‌ها تحت تعلیم تو هستند. تمام موجودات عالم خلقت، آیات خداوند تبارک و تعالی هستند و خداوند تربیت همه آیاتش را به خاندان عصمت و طهارت افزوده و این مقام بلندی است که امروز در اختیار حضرت حجت سلام‌الله‌علیه است. حضرت ولیعصر پرورش‌دهنده همه آیات الهی است و همه تحت تعلیم و تربیت او هستند.

امیرالمؤمنین در یک بیانی خودش را ربانی معرفی می‌کند؛ «فَاسْتَمِعُوا مِنْ رَبَّانِیِّكُمْ» بشنوید از ربانی خودتان؛ و در بیانی رسول خدا مصداق ربانی امت را امیرالمؤمنین دانست «عَلِیُّ رَبَّانِیُّ هَذِهِ الْأُمَّةُ». کسی که منسوب به رب است و تربیت‌شده خداست امیرالمؤمنین است.

تو بیشتر از همه خدا را نشان می دهی

عرض کردم که همه موجودات عالم آیه رب هستند؛ یعنی نشان دهنده خدا هستند. بعضی از موجودات بیشتر خدا را نشان می دهند؛ بعضی کمتر. البته اگر انسان بصیر باشد همه را در حد اعلا می بیند. همه موجودات آیه رب هستند و حضرت حجت ربانی این آیات است؛ یعنی همه موجودات عالم رب را نشان می دهند و حضرت حجت سلام الله علیه خدا را بیشتر از بقیه به ما نشان می دهد. همان طور که امام حسین علیه السلام بیشتر نشان می دهد. هر کدام از ائمه در زمان خودشان خدا را بیشتر از بقیه موجودات نشان داده اند. سلام بر تو ای کسی که بیشتر از بقیه موجودات، خدا را به ما نشان می دهی. سلام بر تو ای کسی که جلوه خالق خلقی. خدایی که دیده نمی شود را تو نشان می دهی؛ اما تو خیلی نشان می دهی. تو وجه الهی هستی که با دیدن تو خدا دیده می شود. آنجا می گوئیم که «أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ» او وجه الله است؛ به او که نگاه می کنیم خدا را می بینیم. همان طور که گوش خداست. تو گوش خدا هستی؛ اذن الله هستی. هر سخنی که بگوئیم تو می شنوی.

بالاترین مرحله انس در اختیار ائمه است

یادمان نرود انس با خدای تعالی با علاقه به دنیا نمی سازد. نمی شود انسان یاد خدا داشته باشد، محبت و علاقه به خدا داشته باشد و به دنیا هم علاقه مند باشد. قابل جمع نیست.

منظور از علاقه به دنیا استفاده کردن از نعمت‌ها نیست. استفاده از کوه و دشت و خوردن و خوابیدن و این‌ها، نعمت‌هایی است که خدا قرار داده تا ما استفاده کنیم. دنیا عالیق است؛ وابستگی‌هاست. وابستگی به دنیا با محبت و انس خدای تعالی نمی‌سازد.

خداوند تبارک و تعالی روح انسان را به خودش نسبت داده است. در آیه ۲۹ سوره مبارکه حجر «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» روح انسان را به خودش نسبت داده. همه وجود انسان و مبدأ خلقت انسان خداوند تبارک و تعالی است؛ اما خدای تعالی هیچ‌کدام از آن‌ها را به خودش نسبت نمی‌دهد. تمام وجود انسان برای خداست، مبدأ خلقت مال خداست؛ اما وقتی می‌خواهد به انسان اشاره کند می‌گوید روح برای من است؛ یعنی ارتباط عمیق وجودی با خدای تعالی چنین شرافت و عظمتی را به انسان می‌دهد که خدا این‌گونه بیان می‌کند. بالاترین مرحله انس در اختیار ائمه است. نازل که می‌شود در اختیار ما هم قرار می‌گیرد.

خدا خواسته همه ربانی شوند

وقتی می‌گوییم عالم ربانی منظور امیرالمؤمنین است. وقتی می‌گوییم عالم ربانی منظورمان حسین علیه‌السلام است. عالم ربانی حضرت حجت سلام‌الله‌علیه است. این‌ها مصداق تام و بلند و اتم آن هستند. تنزل که پیدا می‌کند می‌رسد تا به آقای بهجت هم می‌گوییم عالم ربانی. علمای بزرگ و

وارسته ما هم عالم ربانی هستیم چون منسوب به خدا
هستند. نشانه خدا هستند. کسانی که اهل ذکر و دعا و
عبادت و پرستش خدای تعالی هستند همه ربانی هستند.

خدای تعالی در قرآن کریم خواسته که همه ربانی شوند؛
نه فقط علما ربانی شوند، همه انسان‌ها باید ربانی باشند. باید
رنگ خدایی داشته باشند. همه چهره‌ها و جلوه‌ها باید
خدایی باشد. آیه ۷۹ آل عمران می‌فرماید: «كُونُوا رَبَّانِيِّينَ».

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم فرمود: هیچ مؤمنی
نیست چه مرد باشد چه زن، چه حر و آزاده باشد چه
مملوک، الا اینکه خداوند واجب کرده که قرآن را یاد بگیرد
و در آن فقیه شود؛ یعنی دانشش و اطلاعاتش نسبت به
قرآن زیاد شود. حالا یک عده بلد نیستند از رو هم بخوانند.

بعد رسول خدا همین آیه شریفه را خواندند که «كُونُوا
رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ» که خدای تعالی انسان‌ها
را به ربانی شدن فرامی‌خواند. راهش چیست؟ قرآن یاد
بگیرید. راهش را خود قرآن بیان کرده است که اهل قرآن
باشید. یاد بگیرید و یاد بدهید. هر کس هر مقدار با قرآن
انگش بیشتر شد ربانی‌تر است. پس یکی از مهم‌ترین
راه‌های ربانی شدن به بیان قرآن کریم این است که ما قرآن
را یاد بگیریم.

اینکه حتماً باید قرآن را مدنظر داشته باشیم و ارتباطمان با قرآن مستمر باشد و تدبر در آیات الهی داشته باشیم در آیه ۱۶۹ سوره اعراف این تداوم تدبر در قرآن را بیان فرموده است؛ «وَدَرَسُوا مَا فِيهِ» تداوم بر قرائت و تدبر در قرآن داشته باشید.

عالم ربانی هم فقط روحانی نیست. کسی است که این گونه تربیت شده است؛ هم خودش ارتباط خوبی با خدا دارد هم دیگران را برای چنین ارتباطی پرورش می‌دهد؛ یعنی هم خودش مسیر را رفته هم می‌گوید بیا باید برویم. افراد را با بیانش با روشش می‌برد و ربانی می‌کند.

جزو دسته سوم نباشید

این حدیث معروف امیرالمؤمنین را قطعاً شنیدید. حضرت انسان‌ها را به سه قسم تقسیم می‌کند: «الْأَنسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاهٍ وَ هَمَجٌ رَعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ» می‌فرماید ناس. نمی‌گوید مؤمنین. نمی‌گوید شیعه. نمی‌گوید مسلمان. می‌گوید مردم سه دسته‌اند. دسته اول عالم ربانی؛ یعنی همه انسان‌ها می‌توانند این طور باشند؛ فقط مربوط به پیغمبر و امام و اولیا خدا نیست. قرآن هم می‌گوید بیا باید عالم ربانی شوید. بیا باید منسوب به رب شوید و رنگ خدا داشته باشید.

دسته دوم کسانی هستند که متعلم هستند. در حال ربانی شدن هستند. می‌نشینند پای درس اخلاق و قرآن می‌خوانند و قرآن یاد می‌گیرند و قرآن یاد می‌دهند. در اربعین هستند و محرم و صفر و متعلم هستند در مسیری که نجات پیدا کنند؛ و دسته سوم «هَمَجَّ رَعَاءُ» هستند.

برای اینکه ترجمه‌اش را خوب بفهمید یک مثال می‌زنم. دیده‌اید یکجا یک مشت فضولات حیوان باشد از اسب و گاو و روی آن پشه‌های خیلی ریزی به صورت دسته‌ای هستند؛ مثلاً هزارتا. بعد اگر یک نسیمی بیاید همه باهم به یک طرف می‌روند. یک دفعه یک صدا کنی همه به یک طرف دیگر می‌روند. در روستاها زیاد هست.

امیرالمؤمنین می‌فرماید که صادق مصدق است و حرفش گزاف نیست. معصوم است و روایت هم صحیح است. می‌فرماید آدم‌ها یا عالم ربانی می‌شوند یا در مسیر یادگیری هستند که درست شوند یا آن دسته عمومی هستند که «أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ» تبعیت می‌کنند از هر صدایی که از جایی درمی‌آید و «يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ» حزب باد هستند؛ با هر بادی میل به همان سمت می‌کنند. تاریخ ملی شدن نفت را بخوانید جالب است. در یک روز در بهارستان مردم این طرف میدان می‌گفتند مرگ بر مصدق، بعد از ظهر آن طرف میدان می‌گفتند درود بر مصدق. مثلاً مرگ بر کاشانی، درود بر کاشانی. اصلاً هیچ ملاک و معیاری

نداشتند. کاری با این بخش نداریم بحث ما عالم ربانی است.

اگر کسی عالم ربانی شد جز رضای خدا چیزی نمی‌خواهد. اگر ما جز رضای خدا چیزی نخواستیم مستجاب‌الدعوه می‌شویم. امام مجتبی علیه‌السلام فرمودند: کسی که در قلبش جز رضای حق خطور نکند، هر کاری که خواست بکند بگوید خدا راضی هست یا نیست؟ خدا خوشش می‌آید یا نمی‌آید؟ راضی هست انجام می‌دهم نیست انجام نمی‌دهم؛ فرمود اگر جز رضای حق خطور نکرد مستجاب‌الدعوه است و من ضامن آن هستم.

این مهم است که امام مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید شما برو خودت را تقویت کن به صورتی که جز رضای خدا چیزی را نخواهی، بعد اگر دعا کردی مستجاب نشد بیا سراغ من. من ضامنم که دعای تو مستجاب شود.

دو بال عالم ربانی شدن

پس برای عالم ربانی شدن ما دو بخش داریم طبق مجموعه روایات و آیات که یک، کتاب خدا را عالم شویم و معلم کتاب خدا شویم و در کتاب خدا تدبر و توجه داشته باشیم و از عترت طاهره اطاعت کنیم؛ یعنی قرآن و عترت؛ و دوم آمر به معروف و ناهی از منکر باشیم؛ یعنی در تربیت مردم توسط امر به معروف و نهی از منکر کوشا باشیم. این دو بال، بال عالم ربانی شدن است. این خلاصه مجموعه آیات و

روایات است. عالم ربانی راه انبیا را طی می‌کند و به دستور خدا امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. همراه با رسول خدا و دستورات او حرکت می‌کند.

عالم ربانی شوید؛ گم نمی‌شوید

اگر عالم ربانی نشویم یادتان باشد که مسیر را گم می‌کنیم و دچار افراط و تفریط می‌شویم. سال‌های اول طلبگی خدمت شیخنا الاستاذ علامه جوادی آملی بودم. گفتم در تشخیص وظیفه گیر داریم. چگونه وظایفمان را خوب تشخیص بدهیم تا به وظیفه‌مان عمل کنیم؟ ایشان فرمود عالم ربانی شوید وظیفه‌تان را تشخیص می‌دهید که باید چه کار کنید.

عالم ربانی مسیر را گم نمی‌کند چون دچار افراط و تفریط نمی‌شود. انسان‌هایی که دچار افراط و تفریط می‌شوند راه را گم می‌کنند. عالم ربانی علمش بی‌ثمر نیست. عمل صالح دارد. تعلیم و تربیت دارد. دستگیری می‌کند افراد را و به مقصد می‌رساند. خودش تزکیه شده و دیگران را به تزکیه می‌رساند.

و عجیب است مرحوم شیخ طبرسی صاحب مجمع‌البیان روایت قشنگی دارد راجع به عالم ربانی؛ می‌گوید عالم ربانی باید سیاست امور را نیک بداند و جامعه را خوب پیرواند و سیاستمداری ورزیده باشد. چه دارد می‌گوید؟ یعنی این‌طور نیست که عالم ربانی بود با هیچ چیز کار نداشته باشد. چنین کسی ربانی نیست. ربانی باید در متن جامعه

باشد. باید سیاستمدار و سیاست ورز باشد. هم خودش این طور باشد هم دیگران را در این سیاستها پیرورانند. منسوب به رب یعنی کسی که سیاست را خوب بلد باشد. امام عصر علیه السلام عهده‌دار پرورش آیات الهی در عالم است. کمالات فردی را به تدریج پرورش می‌دهد. انسان‌ها را به مقصد می‌رساند. او آقا و صاحب و مالک ماست. اگر انسان خودش را در اختیار حجت خدا قرار دهد و او تربیت و هدایت انسان را به عهده بگیرد انسان شکوفا می‌شود و به مقامات عالیه می‌رسد. باید تسلیم امام باشیم. ما تسلیم امامان نیستیم.

خودمان را در اختیار پرورش دهنده‌مان قرار بدهیم

همه انسان‌ها که همه آیات الهی هستیم؛ من آیت‌الله هستیم، شما آیت‌الله هستید، درخت آیت‌الله است، حیوانات آیت‌الله هستند؛ نشانه‌های خدا هستند؛ و امیرالمؤمنین فرمود خدای تعالی در روی زمین آیه‌ای بزرگ‌تر از من ندارد؛ آیت‌الله‌العظمی به معنای دقیق کلمه امیرالمؤمنین است.

اگر همه ما یکی از آیات الهی هستیم که هستیم، پس خودمان را در اختیار پرورش دهنده‌مان قرار بدهیم. مگر نمی‌گوییم «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَبَّانِیَّ آیَاتِهِ» من آیه خدا هستم و پرورش دهنده من امام زمان علیه السلام است. خودم را در

اختیار امام زمانم قرار بدهم تا بزرگ شوم. او اگر پرورش ما را به عهده بگیرد چقدر بزرگ می‌شویم!

روزانه ارتباطمان را با حضرت تقویت کنیم. آداب منتظرین را دنبال کنیم. ما از امامان دور هستیم؛ در زندگی ما نقش ندارد. باید حضور امام در زندگی ما درک شود. باید تربیت امام را در خودمان ببینیم؛ بفهمیم که داریم تربیت می‌شویم.

حضور در فضای مجازی باید هدفمند و با برنامه باشد

آنکه چشمش، گوشش، دلش، رها است و هر جا دلش خواست می‌رود خصوصاً در این قضایای موجودی که در جامعه‌مان هست مثلاً همین فضای مجازی یا حتی فضای حقیقی، کسی که چشمش رها است، کسی که هر چه که خواست دید و هر چه که خواست شنید و هر چه که خواست خورد، خودش را از مسیر تربیتی امام کنار کشیده.

در این فضاها نباید یله و رها بود. اگر وارد می‌شویم که بعضی وقت‌ها ضرورت است که وارد شویم، نباید رها بود. باید برنامه داشت. هدفمند باید رفت. باید یک تعالی‌ای را در نظر گرفت. در مسیر «رَبَّانِيَّ آيَاتِهِ» باید قدم برداشت. اگر حضور دارید با برنامه باید حضور داشته باشید. من می‌بینم عده‌ای ساعت‌ها بی‌هدف و بی‌مقصد پرسه می‌زنند در گروه‌ها و کانال‌ها و خیال می‌کنند چیزی هم گیرشان می‌آید. وقت تلف می‌کنند.

اگر کسی چیزی هم به دست بیاورد از این فضاها باید در زندگی اش معلوم شود. در روش زندگی اش، در نوع برخوردش با دیگران، در رفتارش باید معلوم شود. فکر می کند اگر چیزی خواند و کسی چیزی گفت او هم پس یاد گرفته است. نه این طور نیست. اگر ما تحت تعلیم امام زمانمان هستیم که باید باشیم در زندگی ما باید نقش داشته باشد؛ در همه امورات ما، خورد و خوراک و پوشاک و نظم و رفت و آمد و برخورد و... خیلی باید مواظب چشم و گوش و دست و پایمان باشیم.

امام، آبی گوارا برای تشنه است

در روایت دارد که امام آب گواراست؛ برای کسی که تشنه است ماء عذب است. آب گوارا یعنی انسان را شستشو می دهد. پاک می کند. منقح و منزه می کند. قطعاً اگر ما خودمان را در کنار این آب قرار بدهیم از کثافات و خطاها و لغزش ها پاک می شویم. زمین وجود ما را آماده پرورش فضائل و کمالات می کند. این آب ما را نگهداری می کند و رشد می دهد. دستمان را از دست امام زمانمان بیرون نکشیم. با امام زمانمان انس بیشتری داشته باشیم.

علم را باید از عالم ربانی گرفت

از امام کاظم علیه السلام هشام بن حکم نقل می کند: «نُصِبَ الْحَقُّ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ حَيْثُ لَا نَجَاهَ إِلَّا بِالطَّاعَةِ وَالطَّاعَةُ بِالْعِلْمِ وَالْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ وَالتَّعَلُّمُ بِالْعَقْلِ يُعْتَقَدُ وَ لَا عِلْمَ إِلَّا مِنْ عَالِمٍ

رَبَّانِيٌّ و مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ بِالْعَقْلِ» اگر می‌خواهید در مسیر حق باشید باید اطاعت داشته باشید. می‌خواهید نجات پیدا کنید؟ باید اهل اطاعت باشید. کی می‌توانید اطاعت کنید؟ وقتی که علم داشته باشید که چه چیزی را باید اطاعت کنید. علم هم که خودبه‌خود نمی‌آید. باید پای درس بنشینید و یاد بگیرید. چه کسی به دنبال تعلم می‌رود؟ کسی که عاقل باشد و بفهمد که چیزی نیاز دارد. گفت: آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست. شخص تا وقتی تعقل نداشته باشد نمی‌فهمد که اصلاً به چیزی نیاز دارد. آن وقت علم را از چه کسی باید بگیری؟ از عالم ربانی؛ عالمی که منسوب به خدای تعالی است.

بزرگان اخلاق را ببینید. این‌ها علمای ربانی هستند و مصداق بالای عالم ربانی امام معصوم است. خدمت امام حسین و اهل بیت باشید؛ کتاب‌هایشان به دستتان باشد و بخوانید و عمل کنید.

امام واسطه فیض موجودات هستی است

رسیدیم به این فراز «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدَيَانَ دِينِهِ». اینجا هم دو سلام است؛ «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَابَ اللَّهِ» و «السَّلَامُ عَلَیْكَ دَيَانَ دِينِهِ» سلام بر تو ای وسیله ارتباط با خدا و سلام بر تو ای کسی که حاکم دین هستی؛ مدیر و مدبر دین هستی.

شما با عنوان باب الله آشنا هستید. در روایات به مناسبت‌های مختلف از ائمه علیهم‌السلام به‌عنوان باب الله نام برده شده است. در دعای ندبه که دعای پرنوری است و فرازهای بلندی در آن هست - که همه دعای ندبه را می‌توانیم با آیات قرآن و روایات دیگری که از اهل بیت وارد شده مستند کنیم؛ یعنی اگر کسی ایراد گرفت به سند دعای ندبه بند بندش سند دارد - هست که «أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى» کجاست آن باب الهی که از طریق آن می‌شود به خدا رسید؟

یعنی امام علیه‌السلام واسطه فیض همه موجودات است. اگر بنا باشد که امامی در عالم نباشد - که این بنا نیست البته - کل هستی به هم می‌ریزد. روایاتی هست از امام باقر، از امیرالمؤمنین، از امام رضا علیهم‌السلام که بعضی از آن را برای شما می‌خوانم.

امام باقر علیه السلام فرمود: «لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ يَوْمًا بِلَا إِمَامٍ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا» اگر روزی زمین خالی باشد از امامی از خاندان ما زمین اهل خودش را فرومی برد یعنی هر لحظه امام معصوم باید در جامعه باشد.

امام رضا علیه السلام فرمود: «لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا» به اندازه چشم به هم زدنی نداریم که امام معصوم در زمین حاضر نباشد. اگر نباشد زمین اهل خودش را می بلعد و متلاشی می شود.

یعنی امام واسطه فیض موجودات هستی است. خدای تعالی هر چه می خواهد به موجودات عالم بدهد از طریق امام معصوم است. بحثی داریم در تشریح و تکوین که امام علیه السلام، هم واسطه در تشریح است هم در تکوین. یادم هست که یک وقتی اینجا راجع به حب که صحبت می کردم و محبتی که انسان به علت خودش دارد، در آنجا این بحث را مفصل عرض کردم که حبی که معلول به علت دارد سعه و توسعه دارد که علت در تکوین و علت در تشریح از آن است که بحث خودش را دارد.

باب منحصر به فرد

در روایت دیگر دارد که امام صادق علیه السلام فرمود: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ» به خصوص امیرالمؤمنین را می گوید که باب منحصر به فرد خداشناسی

است. روایت فراوان است که امیرالمؤمنین در حکمت است و پیغمبر اکرم شهر حکمت است.

هر کس از غیر در وارد خانه شود، دزد است

در خطبه ۱۵۴ نهج البلاغه که بخش‌های مختلفی دارد یک بخشی از آن فضائل اهل بیت است؛ «نَحْنُ الشَّعَارُ وَ الْأَصْحَابُ وَ الْخَزَنَةُ وَ الْأَبْوَابُ وَ لَا تُؤْتَى الْبُيُوتُ إِلَّا مِنْ أَبْوَابِهَا، فَمَنْ أَتَاهَا مِنْ غَيْرِ أَبْوَابِهَا سُمِّيَ سَارِقًا» لباسی که به تن می‌چسبد را شعار می‌گویند؛ در مقابل دثار. می‌فرماید ما چون پیراهنی که به تن چسبیده باشد به نبوت نزدیک هستیم. خزنه نبوت هستیم. باب نبوت هستیم. کسی که می‌خواهد وارد هر خانه‌ای شود باید از در وارد شود. ما هم به نبوت نزدیک هستیم باید از طریق ما وارد شود و هر کس از غیر در وارد خانه شود به او می‌گویند دزد؛ یعنی شما هر چه می‌خواهید از قرآن و پیغمبر یاد بگیرید باید از طریق ما یاد بگیرید. از هر طریق دیگری که یاد بگیرید بی‌راهه رفته‌اید؛ مسیر غلطی را طی کرده‌اید.

اوصیای الهی ابواب‌اند

در زیارت جامعه دارد که ما وسیله امتحان هستیم؛ «وَأَبَابُ الْمُبْتَلَىٰ بِهِ النَّاسُ» می‌گوید اهل بیت وسیله‌های امتحان الهی هستند.

در موضوع باب روایت فراوان است که اوصیا الهی ابواب هستند. اگر تلاش و تبلیغ آنها نبود دین گسترش پیدا نمی کرد و مردم هدایت نمی شدند.

بر اساس حدیث معتبر و معروف ثقلین، قرآن خانه است که در ورود به این خانه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند؛ و این دو هم همیشه باهم هستند و جدایی ندارند. اهل بیت هم در امور تکوین و هم در امور تشریح باب الله هستند.

روایتی هم در تفسیر نورالثقلین است روایت مفصلی است که من یک بخش آن را می خوانم که از امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود: «وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِلْعِلْمِ أَهْلًا وَفَرَضَ عَلَى الْعِبَادِ طَاعَتَهُمْ بِقَوْلِهِ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ ... وَ بِقَوْلِهِ وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ الْبُيُوتُ هِيَ بُيُوتُ الْعِلْمِ الَّذِي اسْتَوْدَعَهُ الْأَنْبِيَاءَ وَ أَبْوَابُهَا أَوْصِيَاؤُهُمْ فَكُلُّ عَمَلٍ مِنْ أَعْمَالِ الْخَيْرِ يَجْرِي عَلَى غَيْرِ أَيْدِي أَهْلِ الْإِصْطِفَاءِ وَ عَهْدِهِمْ وَ حُدُودِهِمْ وَ شَرَائِعِهِمْ وَ سُنَّتِهِمْ وَ مَعَالِمِ دِينِهِمْ مَرْدُودٌ غَيْرُ مَقْبُولٍ» و خداوند برخی را اهل علم قرار داد و بر بندگان واجب کرد که از ایشان اطاعت کنند. [خداوند] با این کلامش: از خداوند و پیامبر و صاحبان امرتان اطاعت کنید. (نساء/۵۹) و با این سخنش که: «وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» [بندگان را به اطاعت از اهل علم سفارش کرده است]؛ و مراد از خانه‌ها، خانه‌های علم است که به پیامبران (علیهم السلام)

ودیعه داده شده و منظور از در خانه‌ها، اوصیاء پیامبران هستند و هر عمل خیری که به غیر دستان این برگزیدگان جاری گردد و نیز پیمان‌ها، احکام و حدود، سنت‌ها و روشنگری‌شان، باطل بوده و پذیرفته نیست.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «الْأَوْصِيَاءُ هُمُ أَبْوَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الَّتِي يُؤْتَى مِنْهَا، وَلَوْلَاهُمْ مَا عُرِفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، وَبِهِمْ اِحْتَجَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ» اوصیاء همان درهای خداوند عزوجل هستند که از آن وارد می‌شوند و اگر ایشان نمی‌بودند خداوند عزوجل شناخته نمی‌شد، خداوند تبارک و تعالی با آن‌ها بر خلقش حجت می‌آورد.

ویژگی‌های در

نسبت در به خانه چیست؟ ۱. مسیر را مشخص می‌کند. اگر خانه مجلل و بزرگی باشد می‌فهمید که از کجا باید وارد این خانه شد. یکی از ویژگی‌های در این است. در باید راه و مسیر را نشان دهد که از کجا و چگونه وارد شویم.

۲. دومین نشانه این است که خود این خانه چیست. یک خانه کاه‌گلی در حال تخریب که نصفش هم خراب شده، در مرصع طلاکاری شده که ندارد. آن در حکایت از آن خانه هم می‌کند. همان‌طور که یک خانه عالی و مجلل و دارای ویژگی‌های خاص را برایش در معمولی و تخته‌پاره نمی‌گذارند.

حرم اهل بیت را که مشرف می‌شوید دیده‌اید؛ برای فضاهایی که ارتفاع زیادی دارد درها باید با آن ارتفاع تناسب داشته باشد بعد، از ویژگی‌هایی برخوردار باشد. چهارچوب و کنده قفل و لولای در هر کدام باید ارتباطی باهم داشته باشد. پس یکی دیگر از ویژگی‌های در این است که نشان‌دهنده داخلی خانه است. اینکه گفته می‌شود امیرالمؤمنین باب علم پیغمبر اکرم است جایگاه شامخ و رفیع امیرالمؤمنین روشن می‌شود؛ چون جایگاه نبوی کاملاً مشخص است.

غیر از او امروز هیچ بابی نیست

باب خدا شدن یعنی مسیر رسیدن به خدا از طریق این بزرگان است. این جایگاه، جایگاه رفیعی است. امروز راه رسیدن به خدای تعالی و باب الله حضرت ولیعصر ارواحنا فداه است. هرکسی بخواهد به هر جایگاهی برسد باید از مسیر امام عصر و ارواحنا فدا حرکت کند و برسد. غیر از او هم هیچ بابی نیست امروز.

بعد از امام رضا ابوابی می‌خواست بیاید؛ بعد از امام هادی ابوابی می‌خواست بیاید؛ ولی امروز غیر از حضرت حجت بابی نیست؛ و این باب هم بدانید که مفتوح است و بسته نیست. این باب باز است. هر کس به اندازه توانش و به اندازه طلبی که دارد می‌تواند نزدیک شود و از این باب استفاده کند.

هر رشدی می‌خواهی باید خودت را به دست او بسپاری
ما راجع به حضرت حجت سلام‌الله‌علیه گفتیم که ربانی است
و تربیت‌کننده است. هرکسی می‌خواهد به هر جایگاهی
برسد، می‌خواهد هر رشدی داشته باشد باید در کنار حضرت
حجت قرار بگیرد. رشد علمی می‌خواهد، رشد معنوی
می‌خواهد، رشد مادی می‌خواهد، هر رشدی که می‌خواهد
داشته باشد باید خودش را به دست مربی بسپارد.

او ربانی است؛ به رب منسوب است و تربیتِ درست می‌کند.
حضرت حجت سلام‌الله‌علیه قوه‌های ما را به فعلیت می‌رساند.
همه افراد دارای ویژگی‌هایی هستند. همه ما، هرکسی در
عالم، همه موجودات ویژگی‌هایی دارند؛ باید در جایگاه
خودشان قرار بگیرند. یک دانه باران می‌آید در دهان صدف
قرار می‌گیرد می‌شود مروارید. یا یک شن در دهان صدف
تبدیل به مروارید می‌شود. یک سنگی در کوه تبدیل به
فیروزج و عقیق و لعل می‌شود. یک انسانی تربیت می‌شود و
ولی‌ای از اولیا خدا می‌شود. مربی همه این‌ها حضرت حجت
سلام‌الله‌علیه است. در این دوره باید خودمان را در اختیار
حضرت قرار بدهیم. باید در آن مسیر برویم تا قوه‌هایمان به
فعلیت تبدیل شود.

این اراده الهی است که همه خیرات و برکات الهی از طریق
وجود مقدس حضرت حجت سلام‌الله‌علیه به بقیه موجودات
برسد. امام باب رحمت الهی است. خدا هر رحمی که

می خواهد به بندگان بکند از طریق امامش می کند. هر کس رحمت می خواهد باید خودش را به این باب برساند.

نزد امام زمانت چه جایگاهی داری؟

ما چقدر به این باب نزدیک هستیم؟ چقدر توجه داریم؟ چقدر خودمان را متصل به امامان می کنیم؟ در طول روز، در طول هفته، در طول ماه، چقدر ارتباط داریم؟ روزانه باید ارتباط داشت. لحظه به لحظه باید ارتباط داشت. آشنایی ما کم است.

ما از حضرت حجت سلام الله علیه بخواهیم ۱۰ دقیقه صحبت کنیم شاید چیزهای تکراری و پیش پا افتاده باشد. در صورتی که باب الله است؛ ما را به خدا می رساند. کسی که ما را به خدا می رساند، به معاد می رساند. دنیا و آخرت ما را آباد می کند. زندگی ما را درست می کند. بازارمان را درست می کند. حکومتمان را درست می کند. اداراتمان را درست می کند. همه به هم وصل است. ما از این چیزها فاصله داریم و چون فاصله داریم هی بر سر خودمان می زنیم.

اینکه عرض می کنم چقدر ارتباط داریم؛ خودمان را بررسی کنیم. روایتی هست که یکی از اصحاب ائمه سؤال کرد که مقام و منزلت من پیش شما چقدر است؟ من چه جایگاهی پیش شما دارم؟ مثلاً رسیده خدمت امام رضا و این سؤال را پرسیده. حضرت فرمودند: بین مقام و منزلت ما پیش تو چه

اندازه است؛ ما پیش تو چگونه هستیم؟ هر قدر شما به ما توجه داشته باشید ما هم به شما همان قدر توجه داریم.

سالی یک بار مثلاً توجهی به امام زمان داشته باشیم؛ خوب امام زمان هم سالی یک بار به شما یک نگاهی می‌کند. البته همان یک نگاه هم خیلی مهم است. می‌رسیم به این فرازها که سلام می‌دهیم به رکوع و سجودش، سلام می‌دهیم به نشست و برخاستش، به لحظات و حالات مختلف حضرت. حضرت فرمودند: شما هر مقدار به ما توجه کنید ما هم به همان مقدار به شما توجه می‌کنیم. بعد فرمودند: هر قدر شما به ما توسل کنید ما هم به همان مقدار برای شما دعا می‌کنیم.

دل به دل راه دارد

کاری کنیم که حضرت برای ما دعا کند؛ نه اینکه باعث رنجششان شویم. می‌دانید که در طول هفته دوشنبه و پنجشنبه اعمال ما خدمت حضرت حجت سلام‌الله‌علیه می‌رسد. بحث عرضه اعمال خودش بحث مفصلی است که کیفیتش چگونه است. بالاخره حضرت از حال تک‌تک افراد مطلع است. او اذن الله است؛ گوش خداست. شما صدایت هنوز در نیامده او می‌شنود. او مطلع است که شما چه می‌خواهید بگویید. باید به این‌ها توجه داشته باشیم.

هر مقدار ارتباط با حضرت بیشتر شد بدان همان مقدار هم از آن طرف توجه هست. «القلب یهدی الی القلب» در فارسی

هم می‌گوییم دل به دل راه دارد؛ تو چقدر به فکر او هستی؟ همان قدر او به فکر توست. راجع به خدا هم همین‌طور است. هر مقدار انسان به فکر خدا باشد خدا هم همان مقدار دستگیری دارد.

معنی دیان

«السَّلَامُ عَلَيْكَ دِيَّانَ دِينَهِ» نگاهی کنیم که آقایان لغوی دیان را چه معنی کردند. دیان دین بودن مربوط به همه اهل بیت است. در زیارت‌نامه‌ها و کلماتی که رسیده اهل بیت را دیان دین معرفی کرده.

درباره کتاب‌های لغت

دیان خودش نام خداست. طریحی از علمای لغت است. کتابی دارد به نام مجمع البحرین. قدیم رسم بود که کتاب لغت می‌نوشتند که موارد استعمال است؛ مثلاً کلماتی که امروز استعمال می‌شود را یکجا جمع می‌کنند جلوی‌ش هم می‌نویسند که مثلاً وقتی می‌گوییم یارانه منظورمان آن مبلغی است که... یا رایانه که می‌گوییم منظورمان آن دستگاهی است که...

الان اگر ما بنویسیم رایانه و سامانه و پایانه، این کلمات ۵۰ سال قبل هر کس نگاه می‌کرد نمی‌فهمید یعنی چه؛ چون استعمال آن موقع با الان خیلی فرق داشت. شما فرض کنید زمان اهل بیت کلماتی بوده که به زمان مردم آن روز و مصطلحات آن روز بوده. کتاب لغتی هم که آن موقع نوشته

شده همان لغت‌ها را بر اساس همان گویش ترجمه کرده. مثلاً اگر گفتیم باب یعنی در؛ چون آن موقع به در می‌گفتند مثلاً باب. ۵۰ سال بعد کلمات عوض شده؛ لذا لغتی که نوشته شده هی عوض شده.

نزدیک‌ترین کتاب لغتی که به زبان اهل بیت است کتاب العین است. برای خلیل فراهیدی است. روشی هم داشته در کتابش که خیلی سخت است. جدیداً دیدم جور دیگری درستش کردند که راحت‌تر باشد. آنجا اگر شما بخواهید ببینید در عصر اهل بیت علیهم‌السلام تقریباً معنای لغات چگونه بوده به آنجا مراجعه کنید. بعد همین‌طور آمده تا امروز.

بیشترین کتاب لغت را هم اهل سنت نوشته‌اند. یک سری از کتاب‌ها ترجمه روایات است؛ یعنی کلماتی که در روایات اهل بیت آمده در کتاب لغت آن‌ها را ترجمه کردند. کاری نداشتند که در جامعه چه گفته می‌شود. در آنجا روایاتی دارد که مثلاً ابوهریره این را گفت عایشه این را گفته. می‌خواسته لغت را بگوید از روایات اهل بیت نیآورده؛ روایت‌های مثلاً ابوهریره و عایشه را آورده.

مرحوم طریحی همان کتاب لغت را به روایات شیعه آورده که امام صادق علیه‌السلام فرمود؛ امام باقر علیه‌السلام فرمود. روایاتی را از اهل بیت آورده و آن لغات را معنا کرده. ۶ جلد است. کتاب خوبی است که برای اهل علم بیشتر مورد

استفاده است. مثل راغب که کلمات قرآن را فقط ترجمه کرده.

دیان نام خداست

طریحی در آنجا می گوید که دیان نام خداست؛ به معنای قهار و حاکم و قاضی. دیان دین الله یعنی قاضی دین خدا. حاکم دین خدا. راجع به رسول مکرم اسلام داریم در روایت که «یا سید الناس و دیان العرب» ای آقای مردم و حاکم عرب. یا در روایت آمده «و کانَ عَلَیْ دِیَانَ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ نَبِیِّهَا» امیرالمؤمنین سلام الله علیه حاکم این امت بود. در سایر کتب لغت هم بگردیم همین هاست که یعنی حاکم و قاضی و قهار و سانس و حاسب.

دین حق، یکی است

«السَّلَامُ عَلَیْكَ دِیَانَ دِیْنِهِ» می شود سلام بر تو ای حاکم و قاضی و مدبر دین خدا. معنا روشن است دیگر لازم نیست که شرح بدهم. البته فقط به یک نکته باید اشاره کنم و آنکه دین حق یکی است؛ چون مبدأ و شروع از خداست. خدای واحد خدایی که ذات او نامتناهی است؛ و البته دین باطل متعدد است چون مبدأ آن‌ها و شروع آن‌ها هوای نفسانی است؛ و چون هوای نفسانی متعدد است هر کس یک خواسته‌ای دارد، هر کس یک هوایی دارد، متفرق است؛ لذا ادیان باطل متفرق و متشتت و فراوانند.

قرآن کریم هم در مقابل صراط مستقیم که یک دین و یک راه است راه‌های متعددی را بیان کرده است. در آیه ۱۵۳ سوره مبارکه انعام دارد که «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَيْنَكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» مباحث مفصلی در دین‌شناسی و مسائل مربوط به دین مطرح است.

این یک نکته را هم تذکر بدهم که تنوع و تعدد ادیان قابل فرض نیست؛ چون مبدأ و منشأش یکی است. دین برای تربیت انسان آمده و در محل خودش هم بحث شده. ثابت شده که انسان یک حقیقت واحد بیشتر نیست در نتیجه دینی که می‌خواهد انسان را تربیت کند آن هم باید واحد باشد.

انسان یک حقیقت بیشتر ندارد؛ حقیقتش همان روح اوست. وقتی فطرتش فطرت الهی است فطرت الهی ثابت است. در طول زمان و ظرف‌های مختلف و جاهای مختلف هیچ تغییری در این فطرت به وجود نمی‌آید. فطرت الهی ثابت است و دگرگونی در آن به وجود نمی‌آید. چون ثابت است و دینی که می‌خواهد او را پرورش بدهد و رشدش بدهد او هم باید واحد باشد. در طول خلقت بشر تا امروز همیشه این‌طور بوده.

شما نگاه کنید امکان ندارد در هیچ عصری از عدالت کسی بدش بیاید. حتی مسلمان هم نباشد کافر هم باشد از دروغ بدش می‌آید. از ظلم بدش می‌آید. همان ظالمی که دارد ظلم

می‌کند از ظلم بدش می‌آید. این‌ها مربوط به فطرت است که هیچ تغییر و تبدیلی در آن نیست. از اول خلقت تا قیامت همه انسان‌ها از ظلم بدشان می‌آید. همه انسان‌ها از عدالت خوششان می‌آید. تغییرات مربوط به بدن است.

چون دین به فطرت منسوب می‌شود و ثابت است پس باید ثابت و واحد باشد؛ لذا اصول دین همیشه ثابت است. فروع دین تغییرات دارد چون مربوط به منهج است و مربوط به شریعت است و مربوط به رفتارهاست؛ لذا تغییراتی دارد. در هر شریعتی تغییراتی وجود دارد.

یک دین بیشتر نیست که اسلام است؛ که در عصرهای مختلف به گویش‌های مختلف آمده است. به هر جهت حاکم دین، آن کسی که مدبر دین است و دین را گسترش می‌دهد و تحقق خارجی می‌بخشد حضرت حجت است؛ لذا سلام می‌دهیم که «السَّلَامُ عَلَیْكَ دِیَّانَ دِیْنِهِ» سلام بر تو که حاکم دین خدایی.